گزارش روز صد و هفتاد و نهم جنگ

پادشاه لخت است؛ نمایش وزیر خزانه‌داری آمریکا هیاهو برای هیچ بود

امروز پایان ششمین ماه جنگ است. جنگی که طبق محاسبات ترامپ قرار بود ظرف دو سه روز یا حداکثر چهار تا شش هفته با پیروزی به پایان برسد.

اما در حالی که جنگ بی‌حاصل به روز صد و هشتادم رسیده و تنگه قبلاً باز هرمز هم بسته مانده، ترامپ مجبور شده وزیر درمانده جنگ را کنار بکشد و وزیر خزانه‌داری را برای رجزخوانی پیش بفرستد.

توهمات وزیر خزانه‌داری ترامپ

اسکات بسنت دیروز در روز صد و هفتاد و نهم جنگ گفت: «ما این تهاجم اقتصادی را علیه ایران با روحیه پیاده شدن در نرماندی در جنگ جهانی دوم آغاز می‌کنیم. از امروز، فشار را تشدید می‌کنیم و هر منبع درآمد احتمالی را که سپاه پاسداران و حکومت ایران را تأمین مالی می‌کند، مسدود خواهیم کرد. ما سیاستی را اجرا می‌کنیم که هدف آن جلوگیری کامل از هرگونه دورزدن محدودیت‌ها و نشت درآمد به ایران است. ما یک تهاجم اقتصادی علیه ارتباطات مالی ایران در سراسر جهان آغاز می‌کنیم. هدف ما قطع کردن تمام شریان‌های اقتصادی است که این رژیم را سرپا نگه می‌دارند تا تهران منزوی و تنها بماند. اکنون زمان آن رسیده است که رهبران جهان میان آمریکا و ایران یکی را انتخاب کنند. ترامپ با رهبران کشورهای مختلف جهان تماس می‌گیرد و از آنها می‌خواهد تعاملات خود با جمهوری اسلامی ایران را متوقف کنند. اسم این رهبران را نمی‌گویم. نمی‌خواهم ضرب‌الاجلی تعیین کنم، اما صبر ما هم بی‌نهایت نیست.»

لافزنی چقدر هم به بسنت می‌آید!

لفاظی‌های بسنت در حالی است که آمریکا بعد از اجرای «تحریم‌های فلج‌کننده» و «فشار حداکثری»، گزینه فشار اقتصادی مؤثرتری در چنته ندارد و در میدان نظامی هم بر خلاف لافزنی‌های وزیر خزانه‌داری، چند نوبت شکست فاحش خورده است.

نوبت اول که می‌خواستند سه روزه قمار جنگ را ببرند، با انهدام مدرن‌ترین هواپیماهای نظامی و انسداد تنگه‌هرمز تحقیر شدند. دفعه دوم خواستند در بیابان‌های جنوب اصفهان نیرو پیاده کنند، چند هواپیمای دیگر تلفات دادند و آبروی ریخته کارتر در طبس را خریدند! سپس با عملیات فانتزی «پروژه آزادی» برای باز کردن تنگه، مضحکه عالم و آدم شدند و دست از پا درازتر ظرف سه روز، کاسه‌کوزه ناوگان‌شان را جمع کردند و در رفتند.

دولت ترامپ با وعده بنزین دو دلاری سر کار آمد اما این قیمت را به رقم سرسام‌آور ۴ دلار رساند. درباره بدهی ۲۴ هزار میلیارد دلاری آمریکا جیغ هشدار کشیدند، اما حالا در اثر درایت فوق‌العاده امثال بسنت، این رقم در حال انفجار را از ۴۰ هزار میلیارد دلار گذرانده‌اند. از طرف دیگر در اثر همین بی‌کفایتی، ۴۷ میلیون نفر گرسنه مطلق در جامعه آمریکا در شرایط سخت زندگی می‌کنند. با همه اینها، وزیر متوهم آمریکایی که تپه سالمی باقی نگذاشته، در رویای تکرار نرماندی است!

محاصره شکست می‌خورد اما ایران را قوی‌تر می‌کند

اظهارات وزیر خزانه‌داری آمریکا حسابی به چشم تحلیلگران آمد؛ اما از این زاویه که چقدر یک دولتمرد آمریکایی می‌تواند از واقعیات پرت باشد.

استیو هانکه، اقتصاددان ارشد و استاد دانشگاه جان‌هاپکینز در واکنش به سخنان اسکات بسنت گفت: آیا می‌توان یک محاصره بزرگ را برای مدت طولانی اجرا کرد؟ پاسخ منفی است؛ محاصره ایران شکست خواهد خورد.» عملیات روز D نیز کار نخواهد کرد؛ آنها مدام استراتژی‌های بازنده ارائه می‌دهند. در نهایت، این استراتژی‌ها فقط به ایران قدرت بیشتر، اهرم فشار بیشتر و شجاعت بیشتر می‌دهد.

گانگستر نادانی که غرب را فلج می‌کند

جفری ساکس، اقتصاددان برجسته و استاد دانشگاه کلمبیا هم گفته است: جنگ‌های هژمونیک غرب در اوکراین و ایران و ذهنیت پشت آنها، غرب را به بن‌بست اقتصادی عمیقی می‌کشاند که نه آمریکا و نه اروپا عمق فاجعه‌بار آن را درک می‌کنند. اروپا هم‌اکنون در بحران آشکار اقتصادی قرار دارد؛ آمریکا هنوز در حباب مالی عظیم شناور است، اما در میان‌مدت و بلندمدت وضع بهتری ندارد. ذهنیت هژمونیک غربی («ما دنیا را اداره می‌کنیم، ما تعیین می‌کنیم چه کسی معامله کند و کدام کشور را نابود کنیم») که ریشه در قرن‌ها امپراتوری اروپایی و سپس آمریکایی دارد، موتور اصلی این جنگ‌ها، سیاست‌های حمایتی، جنگ‌های تجاری و انباشت بدهی است.

اسکات بسنت نه یک اقتصاددان، بلکه یک «گنگستر اقتصادی» و مجری زورگویی ترامپ است که هیچ دانش، علاقه یا درکی از اقتصاد واقعی آمریکا (اشتغال، بهره‌وری، هزینه زندگی مردم) ندارد و تنها از تخریب اقتصادهای دیگر سخن می‌گوید.

محتمل‌ترین سناریوی آینده این است که غرب خود را فلج کند و وارد رکود یا افول مطلق شود، در حالی که ۸۵ درصد جمعیت جهان (کشورهای نوظهور و در حال توسعه، بریکس، اتحادیه آفریقا با ۱٫۵ میلیارد نفر) مسیر مسالمت‌آمیز پیشرفت خود را ادامه دهند.

دست آمریکا بعد از فشار حداکثری خالی شد

در همین حال روزنامه نیویورک‌تایمز نوشت: وزیر خزانه‌داری آمریکا تصریح کرد که مراحل و دورهای بیشتری از تحریم‌ها اعلام خواهد شد، اما مشخص نیست این تحریم‌ها پس از سال‌ها اجرای سیاست «فشار حداکثری» و «خشم اقتصادی»، سیاستی که هدف آن پایان دادن به برنامه هسته‌ای ایران و سرنگونی حکومت این کشور بود، در عمل چه تأثیری بر اقتصاد ایران خواهند گذاشت. بسنت، که پیش‌تر «عملیات طرد اقتصادی» را به‌عنوان یک «D-Day اقتصادی» توصیف کرده بود، اذعان کرد که این اقدام در عمل بیشتر یک شلیک هشدار بوده تا اقدامی ملموس و قطعی مانند حمله متفقین برای آزادسازی اروپا در جریان جنگ جهانی دوم. او به خبرنگاران گفت: «ما به همه این فرصت را می‌دهیم که رفتار بد خود را اصلاح کنند. چرا باید بخواهم نظام مالی جهانی را منفجر کنم؟»

ائتلاف تک‌نفره!

جان کربی مقام پیشین کاخ سفید و پنتاگون، با تردید درباره اثربخشی کارزار اقتصادی آمریکا گفت تحریم‌ها در میانه جنگ معمولاً کارایی ندارند و اجرای چنین راهبردی بدون همراهی متحدان دشوار است. قرار گرفتن رئیس‌جمهور در یک «حباب اطلاعاتی» و محروم شدن از دیدگاه‌های متنوع، به توانایی او برای اتخاذ تصمیم‌های بهتر آسیب می‌زند. آمریکا در کارزار اقتصادی علیه ایران، دارای ائتلاف تک‌نفره است.

همچنین جان مرشایمر نظریه‌پرداز آمریکایی معتقد است: کشورهای منطقه با فشار آمریکا علیه ایران همراه نمی‌شوند. پکن اعلام کرده با سیاست فشار اقتصادی همراه نخواهد شد و روسیه نیز چنین کاری نخواهد کرد. ما نه‌تنها برای ایران، بلکه برای چین و روسیه یک تهدید مرگبار هستیم. واشنگتن نه‌تنها قادر به منزوی کردن کامل اقتصاد ایران نیست، بلکه با سیاست‌های خود بسیاری از کشورها را از آمریکا دور کرده است.

هیاهوی پوچ پادشاه لخت!

سوزان مالونی عضو ارشد اندیشکده بروکینگز هم با استفاده از ضرب‌المثل «پادشاه لخت است»، گفت: همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود، نمایش موسوم به «D-Day اقتصادی» وزیر خزانه‌داری آمریکا چیزی جز هیاهو و تبلیغات نبود. اظهارات اسکات بسنت نشان داد که طرحی که ایالات متحده قصد رونمایی از آن را داشت، مشابه همان فشار حداکثری است که در دولت نخست ترامپ اعلام شده بود. و دولت ترامپ هیچ برنامه عملیاتی برای جبران خسارت عظیمی که جنگ فاجعه‌بار ایران به منافع امنیت ملی آمریکا و منافع شرکای ما در خلیج‌فارس وارد کرده، ندارد.

کارت‌های رو به پایان ترامپ

روزنامه انگلیسی ایندیپندنت در گزارشی با تیتر «کارت‌هایی که ترامپ برای بازی در اختیار دارد رو به پایان است» به محدودیت‌های پیش روی واشنگتن برای تشدید فشار اقتصادی علیه تهران پرداخت و نوشت: دولت ترامپ در حالی به دنبال افزایش فشار اقتصادی بر ایران است که اجرای مؤثر این سیاست، آمریکا را با مسئله روابط اقتصادی ایران با قدرت‌هایی از جمله چین روبه‌رو می‌کند. تلاش برای اعمال فشار حداکثری بر ایران، دولت ترامپ را با انتخاب‌های دشواری در قبال پکن مواجه می‌کند.

فشار حداکثری شکست می‌خورد

همچنین نشریه فارن افرز در همین زمینه خاطرنشان کرد: ایران با وجود آسیب‌های سنگین به زیرساخت‌ها، اقتصاد و فرماندهان نظامی، تاب‌آوری خود را اثبات کرده است. تهران توانسته با حفظ بخش قابل‌توجهی از توان موشکی و پهپادی و کنترل تنگه‌هرمز، هزینه‌های اقتصادی سنگینی به آمریکا و اقتصاد جهانی تحمیل کند. تهدید نظامی دیگر مانند گذشته بازدارنده نیست، زیرا ایران دریافته واشنگتن تمایلی به عملیات زمینی ندارد و افکار عمومی آمریکا تحمل طولانی‌مدت یک جنگ فرسایشی را ندارد. محاصره بنادر ایران و تشدید تحریم‌ها نیز تهران را وادار به تسلیم نخواهد کرد. ایران با ایجاد اختلال در جریان انرژی جهانی، معادله ریسک را تغییر می‌دهد و باور دارد می‌تواند اراده آمریکا برای ادامه فشار را از پای درآورد. روند این جنگ و مذاکرات متناوب، امکان بازگشت به استراتژی سنتی فشار را برای هر دولت آینده آمریکا از بین برده است. تنها نتیجه مثبت احتمالی این درگیری می‌تواند وادار کردن واشنگتن به بازنگری بنیادین در سیاست ۴۷ ساله خود در قبال ایران باشد.

نمایش ناامیدانه برای کتمان شکست در جنگ احمقانه

کریس مورفی، سناتور آمریکایی، تحریم‌های جدید کاخ سفید علیه ایران را «نمایشی ناامیدانه» برای سرپوش گذاشتن بر شکست واشنگتن در جنگ نظامی علیه ایران خواند و گفت: «روز دی»، نمایش ناامیدانه‌ای است. ایران در حال پیروزی در جنگ است. ترامپ در حال شکست است. و آمریکایی‌ها هزینه بسیار بسیار زیادی می‌پردازند. ایران قبل از جنگ تنگه‌هرمز را کنترل نمی‌کرد.

اکنون آنها کنترل دارند. ایران عملاً در بخش نظامی جنگ پیروز شده و ۳۰ سایت از ۳۳ سایت موشکی خود را در امتداد تنگه‌هرمز حفظ کرده است، در حالی که دولت ترامپ، هر آنچه را که داشتیم شلیک کردیم و اکنون تمام شده است.

طناب ممکن است دور گردن آمریکا بیفتد

پیتر شیف اقتصاددان و تحلیلگر آمریکایی در واکنش به عملیات ادعایی علیه ایران نوشت: چون ترامپ نتوانست با استفاده از نیروی نظامی به هدف خود در ایران دست پیدا کند، اکنون به استفاده از تحریم‌های اقتصادی روی آورده است. او افزود: «عملیات مطرود اقتصادی» نه‌تنها شکست خواهد خورد، بلکه طناب اقتصادی‌ای که قرار است دور گردن ایران سفت‌تر شود، ممکن است در نهایت دور گردن خود آمریکا بیفتد و این کشور را تحت فشار قرار دهد.

تحریم‌های جدید، بازی عوض‌کن نیستند

دانیل فرید، پژوهشگر شورای آتلانتیک و معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا گفت: اقدامات اعلام‌شده از سوی واشنگتن، بیشتر «شلیک هشدار» هستند تا ضربه‌ای مرگبار به اقتصاد ایران. برای وارد کردن ضربه‌ای فلج‌کننده به ایران، آمریکا ناچار به رویارویی با شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ چینی خواهد بود؛ اقدامی که دولت ترامپ فعلاً از پذیرش هزینه‌های آن پرهیز کرده است. چین خط قرمز است. برای فلج کردن اقتصاد ایران، واشنگتن باید شرکت‌ها و بانک‌های بزرگ چینی را هدف قرار دهد؛ اما در بسته تحریمی جدید چنین اقدامی دیده نمی‌شود. آمریکا محدودیت‌هایی دارد.

بسنت در پاسخ به این پرسش که چرا اقدامات فعلی محدودتر از تهدیدهای مطرح‌شده است، گفت نمی‌خواهد نظام مالی جهان را «منفجر کند». همین جمله محدودیت واقعی فشار اقتصادی آمریکا را آشکار می‌کند. آمریکا تهدید کرده کشورهایی را که روابط اقتصادی خود با ایران را قطع نکنند هدف قرار دهد؛ اما اجرای چنین تهدیدی برای خود واشنگتن نیز هزینه‌ها و ریسک‌های جدی دارد. میان تهدیدهای حداکثری ترامپ و ظرفیت واقعی آمریکا برای اجرای آنها تناقض وجود دارد. تحریم‌های جدید اگرچه فشار بر ایران را افزایش می‌دهند، اما «بازی عوض‌کن» نیستند؛ زیرا حاضر نیست با ضربه زدن به چین، هزینه بی‌ثبات کردن نظام مالی جهانی را بپردازد.

پاسخ دردناک ایران به محاصره و تحریم

خبرگزاری رویترز با بررسی این سؤال که ایران در پاسخ به تشدید محاصره چه گزینه‌هایی خواهد داشت؟ نوشت: تشدید تهدیدهای ایالات متحده پس از گذشت شش ماه از آغاز جنگ، منطقه خلیج‌فارس را در آستانه دور جدیدی از تشدید تنش‌های غیرقابل کنترل قرار داده است. در واکنش به این فشار فزاینده اقتصادی، بستن کامل مسیرهای صادرات نفت به عنوان رویکردی استراتژیک مطرح شده است؛ رویکردی که بر اساس آن در صورت تداوم جنگ اقتصادی، اجازه خروج حتی یک قطره نفت از تنگه‌هرمز یا هر نقطه دیگری از خلیج‌فارس داده نخواهد شد. در حال حاضر نیز حملات پهپادی، موشکی و قایق‌های تندرو بخش اعظم ترافیک این آبراه حیاتی را که پیش از درگیری‌ها حامل یک‌پنجم انرژی جهان بود، متوقف ساخته و تداوم حمله به نفتکش‌ها بهای جهانی نفت خام را به شدت افزایش داده است. علاوه‌بر ثبت ۴۵ نفتکش در فهرست سیاه به دلیل سرپیچی از قوانین تردد، متحدان حوثی در دریای سرخ با ایجاد ناامنی در تنگه باب‌المندب، خطوط انتقال نفت خام عربستان به آسیا را مختل کرده‌اند. در طول ماه‌های جنگ، حملات متعددی پایگاه‌های نظامی آمریکا و زیرساخت‌های انرژی در حاشیه خلیج‌فارس و اردن را هدف قرار داده، اما مرحله بعدی این تنش‌ها می‌تواند مستقیماً به تأسیسات بالادستی نفت و گاز سرایت کند. نابودی این تأسیسات استراتژیک، شوک‌های قیمتی ماندگار و جبران‌ناپذیری را به بازارهای جهانی تحمیل خواهد کرد.

ایران بلد است تحریم‌ها را دور بزند

روزنامه واشنگتن پست نوشت: تهدیدهای اسکات بسنت در صورت ادامه تجارت چین با ایران توخالی خواهد بود. تحریم‌ها سابقه چندان موفقی ندارند. اجرای جامع تحریم‌ها دشوار است و ایران نیز کشوری است که در زمینه دورزدن تحریم‌ها تجربه فراوانی دارد و طی چند دهه مهارت‌های خود را در این زمینه توسعه داده است. ایران بلد است تحریم را دور بزند. ایران طی دهه‌ها تحریم، شبکه‌ها و روش‌های پیچیده‌ای برای دورزدن محدودیت‌های مالی و تجاری ایجاد کرده است. به همین دلیل، اجرای وعده اسکات بسنت، بسیار دشوار خواهد بود. اجرای واقعی تحریم‌های جدید مستلزم درگیر شدن آمریکا با چین است. واشنگتن تاکنون بیشتر سراغ پالایشگاه‌ها و واسطه‌های مستقل رفته و از برخورد مستقیم با بانک‌های بزرگ و شرکت‌های دولتی چین خودداری کرده است. اگر چین کوتاه نیاید، «روز D اقتصادی» توخالی می‌شود و تهدیدهای بسنت اعتبار خود را از دست خواهد داد. فشار بیشتر می‌تواند واکنش نظامی ایران را به دنبال داشته باشد. در این صورت، ترامپ با یک معضل دشوار روبه‌رو خواهد شد: باید به حملات پاسخ دهد، اما نباید اجازه دهد هر واکنش ایران، آمریکا را دوباره وارد یک جنگ گسترده و بی‌پایان کند.

هیچ کس ترامپ را باور نمی‌کند

اسکات ریتر، افسر سابق پنتاگون در ارزیابی روند جنگ اظهار کرد: هیچ کس حرف‌های ترامپ را باور نمی‌کند؛ ایرانی‌ها پیروز شده‌اند و آمریکا هیچ سیاستی ندارد. آیا برای همه، حتی احتمالاً برای نتانیاهو، روشن نیست که ایرانی‌ها پیروز شده‌اند؟ بله، هیچ‌کس این را باور نمی‌کند که آمریکا پیروز شده است.

چرا باید هزینه سنگین به آمریکا تحمیل شود؟

همچنین استفان والت استاد روابط بین‌الملل دانشگاه هاروارد گفت: تنها چاره ترامپ، اعتراف به شکست استراتژیک در «جنگ اسرائیل علیه ایران» و پذیرش هزینه‌ای است که ایران برای جلوگیری از تکرار مطالبه می‌کند. جنگ با ایران جنگ کاملاً انتخابی بود، نه دفاعی. ترامپ آن را جنگ کوتاه، ارزان و پیروزمندانه تصور کرد، اما اشتباه محاسباتی سنگینی مرتکب شد. رابطه آمریکا و ایران بیش از ۴۰ سال خصمانه بوده است. ایران در دهه ۱۹۹۰ و پس از ۱۱ سپتامبر چندین بار برای بهبود روابط پیشقدم شد، اما هر بار با پشت دست آمریکا روبه‌رو شد. دلیل اصلی این رد، تعهد عمیق آمریکا به اسرائیل و فشار سیاسی داخلی ناشی از آن بوده است. جنگ فعلی نه به دلیل نزدیک بودن ایران به سلاح هسته‌ای و نه به دلیل تهدید نظامی فوری آغاز شد. علت نزدیک آن، سفر نتانیاهو به کاخ سفید و ارائه توجیهی مفصل بود که رژیم «در آستانه فروپاشی» است. انگیزه‌های دو طرف کاملاً نامتقارن است: برای آمریکا این جنگ انتخابی و غیروجودی بود؛ برای ایران جنگ بقا و کاملاً وجودی است. به همین دلیل ایران حاضر به تحمل هزینه‌های بسیار بالاتر است. ترامپ در هفته اول «تسلیم بی‌قیدوشرط» خواست، که عزم ایران را راسخ‌تر کرد. ایران با وجود آسیب‌های سنگین نظامی، اهرم‌های واقعی دارد: بستن یا مختل کردن مؤثر تنگه‌هرمز، آسیب به پایگاه‌های آمریکایی و متحدان منطقه‌ای (کشورهای خلیج، عربستان و حتی اسرائیل). هر بار که ترامپ تهدید به تشدید کرده، ایران پاسخ متقابل داده و ترامپ عقب نشسته است. مشکل بنیادین، فقدان کامل اعتماد است. اینکه آمریکا توافق کند، کشتی‌ها را برای تعمیر و تجهیز به خانه ببرد و یک سال بعد دوباره حمله کند. ایران می‌خواهد آمریکا هزینه سنگینی بپردازد تا درس بگیرد و تکرار نکند.

سقوط آزاد در نظرسنجی‌ها

نتایج نظرسنجی رویترز/ ایپسوس نشان می‌دهد که تنها ۳۱ درصد آمریکایی‌ها از عملیات نظامی علیه ایران حمایت می‌کنند. این رقم در ماه مارس ۳۷ درصد و در اوایل ماه جاری ۳۴ درصد بوده است. همزمان محبوبیت ترامپ با ثبت ۳۳ درصد، در پایین‌ترین سطح ثبت‌شده در نظرسنجی‌های این مؤسسه در دوره نخست و دوم ریاست‌جمهوری باقی مانده است.

افزایش قیمت سوخت و تورم، پیش از انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر، چالش‌های جدی برای حزب جمهوری‌خواه در آمریکا ایجاد کرد.

اعتراف تحلیلگران و مقامات سابق آمریکایی:

فشار حداکثری علیه ایران محکوم به شکست است

مسئولان آمریکایی در روزهای اخیر با توسل به عبارت‌هایی مثل «جنگ اقتصادی» و «روز دی اقتصادی»(D-Day) به دنبال متشنج جلوه دادن شرایط برای ایران هستند. دونالد ترامپ امیدوار است که با این روش‌ها بتواند از ایران امتیاز بگیرد. با این حال، حتی تحلیلگران مطرح غربی و مسئولان پیشین آمریکا در امور ایران هم معتقدند «فشار حداکثری علیه ایران شکست می‌خورد».

نیت سوانسون، مدیر پیشین پرونده ایران در شورای امنیت ملی آمریکا و از اعضای تیم مذاکره‌کننده دولت دونالد ترامپ در سال ۲۰۲۵، اذعان کرده که استراتژی دیرینه «فشار حداکثری» آمریکا-که ترکیبی از تهدیدات نظامی و فشار و تحریم اقتصادی است-در مورد ایران جواب نمی‌دهد.

او در تحلیل خود در نشریه فارن افرز تأکید کرده که این فشارها در نهایت نمی‌تواند ایران را به تسلیم یا تغییر سیاست‌های کلان وادار کند. سوانسون هشدار داده که این الگوی تاریخی و تکراری رؤسای جمهور آمریکا علیه ایران، نه تنها به نتیجه مدنظر آمریکا منتهی نمی‌شود، بلکه موجب تضعیف اعتبار ایالات متحده به ویژه در حوزه سیاست خارجی می‌شود.

به عقیده سوانسون، جنگ علیه ایران و سماجت آمریکا بر روی روش‌های قدیمی، بیش از پیش محدودیت‌های قدرت و ضعف‌های واشنگتن در عرصه جهانی را برملا می‌کند.

این پژوهشگر و مدیر پروژه راهبرد ایران در شورای آتلانتیک تصریح کرده که در طول چندین دهه، از زمان انقلاب ۱۳۵۷، دولت‌های آمریکا همواره تلاش کرده‌اند ایران را مجبور کنند تا ایدئولوژی انقلابی خود را کنار بگذارد، اما موفق نشده‌اند.

به گزارش فارس، سوانسون تأکید کرده که ایران نشان داده که می‌تواند در مقابل حملات نظامی آمریکا مقاومت کرده و همچنین در جنگی فرسایشی، تاب‌آوری بیشتری از خود به نمایش بگذارد. از سوی دیگر، فشارهای داخلی آمریکا علیه جنگ ایران و همچنین کاهش ذخایر تسلیحاتی، توان واشنگتن را برای ادامه عملیات نظامی محدود کرده است.

پیش‌تر، وزیر خزانه‌داری آمریکا اسکات بِسنت، در روز دوشنبه در نشستی خبری از طرح خود موسوم به «روز دی اقتصادی» خبر داده و آن را یک تهاجم مالی بی‌سابقه علیه اقتصاد ایران توصیف کرده بود.

این وزیر آمریکایی تلاش کرده بود تاثیر این تحریم‌ها را بزرگنمایی کند اما به عقیده تحلیلگر برجسته روابط بین‌الملل رابرت پیپ، حتی یک نمونه موفق در تاریخ وجود ندارد که کشوری توانسته باشد صرفا با اعمال فشار اقتصادی در جنگی پیروز شود.

برنامه روز دی؛ بی‌هدف و ناکارآمد

رابرت مالی، تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل و مذاکره‌کننده ارشد آمریکایی در دولت باراک اوباما، هم به «مبهم بودن» این طرح اقتصادی آمریکا علیه ایران اشاره و تأکید کرده که این طرح بیش از همه اقتصاد جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او با اشاره به اظهارات اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، تأکید کرده که مهم‌ترین اعتراف مقامات آمریکایی این بوده که اعمال فوری و کامل این تحریم‌ها، سیستم مالی جهانی را با بحران مواجه خواهد کرد.

از سوی دیگر، کارشناسان روسی هم تأکید کرده‌اند که این راهبرد تشدید فشار اقتصادی بر ایران، نمی‌تواند تهران را به تسلیم وادار کند.

«بوریس دولگوف»، پژوهشگر ارشد مؤسسه شرق‌شناسی آکادمی علوم روسیه، به اقدامات پیشین آمریکا و اسرائیل علیه ایران اشاره و تأکید کرده که راهبردهای قبلی آن‌ها «به نتیجه مورد انتظارشان نرسیده است».

او تصریح کرده که راهبرد فشار اقتصادی واشنگتن هم راه به جایی نمی‌برد، زیرا ایران دهه‌هاست تحت تحریم‌های غرب قرار دارد و در تمام این مدت نه‌تنها راه‌هایی برای مقابله با تحریم‌ها و ادامه فعالیت اقتصادی پیدا کرده، بلکه توانسته اقتصاد خود را نیز توسعه دهد.

آندری یاشلاوسکی، دیگر تحلیلگر روسی و پژوهشگر ارشد مؤسسه اقتصاد جهانی و روابط بین‌الملل پریماکوف وابسته به آکادمی علوم روسیه، هم معتقد است که ایران در مقایسه با سایر کشورهایی که هدف فشارهای اقتصادی آمریکا قرار گرفته‌اند مانند کوبا، از «حاشیه امن بیشتری» برخوردار است و علاوه‌بر این، واشنگتن اهرم‌های لازم برای اعمال فشار علیه متحد دیرینه ایران یعنی چین را در اختیار ندارد و در نتیجه تلاش‌هایش برای محدود کردن روابط تهران-پکن به در بسته خواهد خورد.

ایران و اهرم‌هایی که در اختیار دارد

در حالی که مسئولان آمریکایی در تلاش‌اند تا تصویر یک «ایران فروپاشیده» را به دنیا ارائه کنند، متخصص امور ایران نیت سوانسون، معتقد است که ایرانیان تاب‌آوری بالایی از خود به نمایش گذاشته‌اند و همچنان کنترل اهرم مهم تنگه هرمز را هم در دست دارند.

این تحلیلگر برجسته اندیشکده شورای آتلانتیک نوشته که با وجود حملات هوائی گسترده، توانمندی‌های موشکی و پهپادی ایران به اندازه‌ای سالم باقی مانده که امکان تلافی‌جویی قابل‌توجه را فراهم می‌کند.

وی همچنین تأکید کرده که ایران با اعمال حاکمیت بر تنگه هرمز، با موفقیت موقعیت جغرافیایی استراتژیک خود را به سلاحی تبدیل کرده است. سوانسون ادامه داده که ایرانیان با بستن تنگه هرمز و هدف قرار دادن زیرساخت‌های انرژی خلیج‌فارس، هزینه‌های سنگینی بر اقتصاد جهانی تحمیل کرده و مستقیماً بر قیمت انرژی و در نتیجه سیاست داخلی آمریکا تأثیر گذاشته است.

مدیر پروژه ایران در اندیشکده شورای آتلانتیک اذعان کرده که محدودیت نیروی زمینی آمریکا و ریسک بالا، ترامپ را مجبور کرده تا گزینه حمله زمینی علیه ایران را کنار بگذارد و علاوه‌بر این، تهدیدات نظامی آمریکا هم تأثیرات قبلی خود را از دست داده است.

بدین‌ترتیب، تهران به واشنگتن نشان داده که با در دست داشتن اهرم مهم تنگه هرمز، می‌تواند هزینه‌های اقتصادی زیادی بر آمریکا و اقتصاد جهانی وارد کند و از این اهرم به عنوان بازدارنده‌ای قدرتمند در مقابل اقدامات نظامی آمریکا استفاده کند.

قیمت حامل‌های انرژی، فشارهای داخلی آمریکا، انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره ایالات متحده و مهم‌تر از همه، کاهش چشمگیر ذخایر تسلیحاتی، دونالد ترامپ را حسابی تحت فشار قرار داده است. او که از تهدیدات نظامی خود ناامید شده بود، حالا به تشدید فشارهای اقتصادی امید بسته است، اما به عقیده کارشناسان غربی، ایران به خوبی در طول این چندین دهه، راه‌های دور زدن تحریم‌ها را آموخته و در ادامه هم می‌تواند شرایط را به نفع خود تغییر دهد.

درمکتب امام

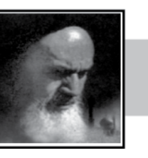

از هیاهوی خارجی‌ها نترسید

هیچ وقت از این های و هوی‌ها و از این تبلیغات خارجی‌ها خوف به خودتان راه ندهید، آن خوفی که باید باشد از خدای تبارک و تعالی باید باشد. از دیگر قدرت‌ها خوف نداشته باشید، برای اینکه، قدرتی در کار نیست غیر قدرت حق تعالی. قدرت حق تعالی است که جلوه‌اش، جلوه ضعیفش در سرتاسر عالم طبیعت پیدا شده است. و شما هیچ وقت نترسید. و مستقیم و پای برجا بایستید و در مقابل همه قدرت‌ها استقامت کنید.

صحیفه امام؛ ج۱۹؛ ص۴۳۶ | جماران؛ ۹ آذر ۱۳۶۴

سالگرد اشغال ایران توسط آمریکا و انگلیس و شوروی

حکایت دردناک ورود ارتش‌های بیگانه به ایران

دفتر پژوهش‌های مؤسسه کیهان

«.. به طوری که ملاحظه می‌فرمایند، سوء رفتار و مزاحمت سربازان آمریکایی و ارتکاب آنها به قتل‌های عدیده و مخصوصا تجاوز به خانه‌های مردم بیش از همه جالب توجه و مایه بسی تاسف است...»

این جملات بخش انتهائی گزارش وزیر کشور وقت به وزارت امور خارجه در سال ۱۳۲۲ یعنی دو سال پس از اشغال ایران توسط متفقین بود، گزارشی از مجموعه جنایات و تعرضات و آزار و اذیت‌های مردم توسط ارتش‌های آمریکا و انگلیس و شوروی به ویژه نیروهای آمریکایی که فقط ماه اردیبهشت همان سال ۱۳۲۲ را دربر می‌گرفت.

مجموعه‌ای از ضرب و شتم مردم توسط سربازان آمریکایی، تعرض به ناموس مردم از طریق ربودن زن‌ها و دست درازی کردن به آنها، چاقوکشی در ملاء عام توسط سربازان مست آمریکایی، مجروح نمودن رهگذران، تصادف و زیر گرفتن مردم که منجر به ضرب و جرح شده و... یعنی کلکسیون شنیعی از رفتار غیر انسانی اشغالگران و ارتش‌های بیگانه به خصوص آمریکاییان در شرایط اشغال و تصرف سرزمین دیگران در این گزارش ارائه شده بود.

وقتی قوای روس و انگلیس و آمریکا در سوم شهریور ۱۳۲۰ وارد خاک ایران شدند، در تهران و سایر شهرهای ایران برای خود، محل استقرار به وجود آوردند. بسیاری از ادارات و سربازخانه‌ها و بیمارستان‌ها در اختیار آنها قرار گرفت و غذا و خوراک خود را از شهرهای مختلف ایران تامین کردند. در واقع قوت و غذای مردم ایران برای تغذیه آنها اختصاص یافت.

۶ میلیون نفر، قربانی قحطی شدند

از همین روی دو ماه بیشتر طول نکشید که ایران دچار کمبود مواد غذائی شد. گرانی سرسام‌آور، سراسر مملکت را در بر گرفت به‌طوری که در سال‌های ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ عده زیادی از مردم براثر فقر مردند و همه‌روزه در خیابان‌های شهرها، شاهدان و رهگذران، عده‌ای را می‌دیدند که از بیماری جان می‌دهند و این وضع تا پایان جنگ در ایران ادامه داشت.

ارتش‌های بیگانه انبارهای بزرگ غله مملو از گندم را در شهرهایی مثل تهران، اصفهان، کرمانشاه و خراسان برای تامین خوراک خود تصرف کردند و از این طریق باعث لطمات و صدمات جبران‌ناپذیری به مردم ایران شدند که علاوه بر کمبود نان و مشکلات تغذیه‌ای که برای مردم به وجود آورد، موجب بروز قحطی‌هایی در مناطق مختلف کشور و قتل و تلفات نفوس مردم در این قحطی‌ها گردید. برخی آمارها، ارقام تلفات جنگ دوم در ایران را بیش از ۵ یا ۶ میلیون نفر را نشان می‌دهد که عمده این مرگ و میرها ناشی از صدمات معیشتی ثبت شده است.

به غارت بردن مال و جان مردم

تصرف خانه‌ها و منازل مردم علاوه‌بر مغازه‌ها و دکاکین آنها، از دیگر اعمال اشغالگرانه متفقین در هنگام اشغال ایران بود. خانه‌های بسیاری از مردم طی جنگ جهانی دوم به اشغال سربازان ارتش‌های متجاوز درآمد و ساکنانش اخراج شدند. هیچ ملجاء و منبع رسیدگی نبود که این افراد برای به دست آوردن اموال خود به آن مراجعه و دادخواهی نمایند.

در واقع اشغالگران ایران، علاوه‌بر در اختیار گرفتن و زیر چکمه بردن خاک کشور، تمامی ابزارها و گلوگاه‌های اقتصادی این کشور را تصرف کردند، از راه‌ها و جاده‌ها و فرودگاه‌ها گرفته تا کارخانه‌ها و مزارع تا مراکز نظامی و انتظامی و تا انبارها و ذخائر غذایی و کالایی.

نیروهای نظامی و ارتش منحل شده بود و نیروی انتظامی اعم از پلیس و شهربانی و ژاندارمری در اختیار و فرمان ارتش‌های متفقین بودند. از همین روی بسیاری از آن کسبه و مغازه‌داران غارت شده، شکایت خود را به مجلس شورای ملی وقت بردند.

اینک مجموعه‌ای از اسناد موجود در آرشیو مجلس شورای اسلامی، به خساراتی اختصاص دارد که ارتش و نیروهای متفقین به مردم عادی، کسبه، بازرگانان و اهالی کوچه و بازار وارد آوردند. این نیروها غالبا با اتومبیل‌های خود، مردم را زیر گرفته یا به طرفشان شلیک کرده و یا به انحاء مختلف این افراد را به قتل رساندند. بسیاری از این اسناد که به صورت عریضه و شکایت تنظیم شده، هیچ‌گاه مورد رسیدگی قرار نگرفت و سال‌های طولانی در آرشیو مجلس شورای ملی آن زمان باقی ماند و بعد از انقلاب به آرشیوهای مجلس شورای اسلامی انتقال یافت تا این که با گذشت بیش از ۷۰ سال، از آرشیوها خارج شد و بعضا انتشار پیدا کرد.

اموال مردم را مصادره کردند

مسئله دیگری که در بین این اسناد به چشم می‌خورد، مصادره اموال عمومی و خصوصی افراد است که به عنوان یکی دیگر از خسارت‌های جنگ جهانی دوم برای ملت ما به حساب می‌آید. در زمانی که خاک ایران اشغال شد، قوای متفقین به دلیل نیازی که به وسائل نقلیه داشتند، برای پشتیبانی و تدارک و لجستیک جنگ و پشت جبهه‌شان، استفاده گسترده‌ای از وسائل نقلیه مردم کردند. در بسیاری از موارد یاد شده، شکوائیه و اسنادی وجود دارد که مشخص می‌کند این اموال به زور از مردم گرفته شد و هیچ مبلغی به عنوان مال‌الاجاره و یا خسارتی به آنها پرداخت نگردید.

آنها تمامی کامیون‌های موجود، تانکرهای نفتکش، اتوبوس‌های مسافری و حتی اتوبوس‌های شهری را نیز متصرف شدند. تعداد کامیون‌های غیر ارتشی متصرفی متفقین به ۳۰۰۰ دستگاه می‌رسید. متفقین شبکه راه‌آهن ایران را هم در اختیار خود گرفتند.

محمدخان ملک یزدی در کتاب «ارزش مساعی ایران در جنگ» درباره خسارات راه‌آهن ایران می‌نویسد:

«... راه‌آهن ایران در جنگ جهانی دوم... ۳ میلیون و ۶۱۹ هزار و ۷۲۸ تن مهمات به سوی شوروی حمل کرده و... یک میلیارد و ۷۸ میلیون و ۹۴۸ هزار ریال به این راه‌آهن خسارات وارد آمده است...»

آردهای حاوی خرده شیشه و چوب و خاک اره

کلیه کشتی‌هایی که به مقصد ایران بار اعم از غذائی و بهداشتی و... حمل می‌کردند، توسط نیروهایی انگلیسی در آبها و بنادر جنوب و حتی دریاهای دورتر مانند دریای سرخ و مدیترانه و... توقیف شده و کالاهای آنها به یغما رفت.

دولت ایران به موجب تعهدی که در پیمان سه‌گانه به او تحمیل گردید، تمامی وسائل حمل‌ونقل زمینی و راه‌آهن خود را در اختیار متفقین قرار داد. راه‌آهن سراسری ایران نیز که هزینه آن را عمدتا از محل مالیات برچای و قند و شکر و با تحمیل رنج‌ها و فشارهای بسیار برمردم تامین کرده بودند، در این سال‌ها به طور کامل در اختیار متفقین بود.

کمبود مواد غذائی باعث ازدحام مردم به شکلی اسف انگیز در برابر نانوایی‌ها شد و مرگ و میر ناشی از گرسنگی و بی‌غذائی روز به روز افزایش یافت. براساس اسناد موجود در آرشیو مجلس شورای اسلامی، نمونه‌هایی از نان‌های آن دوره وجود دارد که مردم ضمیمه شکواییه‌های خودشان برای مجلس فرستادند. در این نمونه‌ها ملاحظه می‌شود که بیش از ۷۰ درصد نان‌ها را خرده چوب و خاک اره تشکیل می‌دهد و حتی در موردی، کیسه‌های آردی که توسط انگلیسی‌ها از هند به ایران وارد گردید، حاوی خرده شیشه بود تا جایی که صدای «شریدان»، مستشار وزارت خواروبار را هم در آورد.

نابودی مزارع، جنگل‌ها و اراضی حاصلخیز

تصرف و تخریب باغات، مزارع و اراضی حاصلخیز از جمله دیگر تبعات حضور قوای متفقین در ایران بود. میلیون‌ها مترمربع از حاصلخیزترین زمین‌های کشاورزی و باغات پربار و مزارع آباد توسط ارتش‌های اشغالگر متفقین یا به تصرف درآمد و تمامی محصول و تولیدات آنها به مصرف سربازان بیگانه رسید و یا با نابود ساختن و از بین بردن محصولات و زمین‌های حاصلخیز، زیرساخت‌های چندین و چند ساله کشاورزی این سرزمین را منهدم کردند و همه اینها باعث کمبود محصولات کشاورزی و لبنی شد و کشور را در آستانه یک قحطی بزرگ دیگر قرار داد.

دولت ایران علی‌رغم تلاش بسیار نتوانست نیروهای اشغالگر را از قطع و نابودی درختان و پوشش جنگلی ایران بازدارد. ارتش‌های متفقین در اشغال ایران، علاوه‌بر نابودی زیرساخت‌های کشور، با توجه به مزیت کشاورزی در این سرزمین، از بین بردن آن را جزو اهداف اصلی خود قرار دادند.

رواج بیماری‌های مسری و مرگبار

میگساری و مشروب‌خواری و مستی و سپس عربده‌کشی و چاقوکشی و راهزنی از جمله خصوصیات همیشگی ارتش‌های غربی به‌خصوص آمریکاییان و انگلیسی‌ها بوده است. اسناد متعددی اشاره دارد به اینکه سربازان ارتش‌های اشغالگر متفقین در کوچه و خیابان‌های شهرهای ایران جولان داده و برای مردم مزاحمت ایجاد می‌کردند، مغازه‌هایشان را غارت می‌کردند، خود را محق می‌دانستند که بدون کسب اجازه به خانه‌های مردم داخل شده و مزاحم نوامیس مردم شوند و... این آزار و اذیت‌ها به حدی زیاد شده بود که داد و صدای برخی از مسئولین کشوری که گوش به فرمان بیگانگان بودند را نیز درآورد. ولی کسی توان ممانعت از آن اعمال را نداشت.

از طرف دیگر اشغالگران با خود بیماری‌های متعددی برای ملت ایران به ارمغان آوردند. هندی‌های ارتش انگلیس با خودشان بیماری تیفوس را به ایران آوردند و مهاجران لهستانی حامل بیماری وبا بودند و... گزارش‌های وزارت جنگ در آن زمان از استان فارس حاکی است که بیماری‌های تیفوس و مالاریا در لار و جهرم و شیراز بسیار شیوع یافته و موجب وارد آمدن تلفات بسیاری به جمعیت این شهرها شده بود. در قبال چنین وضعیتی، گرانی و کمبود داروهای مختلف نیز مزید بر علت شده و بیماران بسیاری را به سوی مرگ می‌فرستاد.

نامه محمد ساعد مراغه‌ای وزیر امور خارجه وقت به نخست‌وزیر آن دوران، در خرداد ماه سال ۱۳۲۲ حکایتی دردناک از اشغال یک سرزمین به دست نیروهای بیگانه است، ولو آن کشور ابراز بیطرفی کرده و حتی اگر پیمان مودت و دوستی با اشغالگران به امضاء رسانده و تمامی امکانات مادی و مالی و ابزاری خود را به اختیار یا ناگزیر در اختیار آنها قرار داده باشد.

مثلا اگرچه پیش از اشغال ایران نیز نفت آن به ثمن بخس نصیب خارجی‌ها و بالاخص انگلیسی‌ها می‌گردید اما اشغال ایران چاه‌های نفت را به طور کامل در اختیار انگلیسی‌ها قرار داد و آنچه را که قرن‌ها انتظار می‌کشیدند یعنی تصرف و در اختیار گرفتن چاه‌های نفت، محقق گردید.

سرلشکر رضایی در دیدار رئیس شورای عالی قضائی عراق:

آمریکا در آینده منطقه جایگاهی نخواهد داشت

دبیر شورای عالی امنیت ملی گفت: کشورهای منطقه خود درباره آینده خویش تصمیم‌گیری خواهند کرد و آمریکا در آینده منطقه جایگاهی نخواهد داشت.

محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در دیدار فائق زیدان، رئیس شورای عالی قضائی عراق اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران خواهان عراقی مستقل و قوی است.

وی افزود: کشورهای منطقه خود درباره آینده خویش تصمیم‌گیری خواهند کرد و آمریکا در آینده منطقه جایگاهی نخواهد داشت.

به گزارش مهر، دبیر شورای عالی امنیت ملی بیان کرد: وضع گروهک‌های ضدایرانی مستقر در مرزهای دو کشور باید تعیین تکلیف شود.

فائق زیدان، رئیس شورای عالی قضائی عراق نیز در این دیدار گفت: از حمایت‌های جمهوری اسلامی ایران قدردانی می‌کنیم. سلام مقامات عراقی را به محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی ابلاغ و یاد و خاطره شهیدان حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس را گرامی می‌داریم. وی اظهار داشت: بر همکاری‌های منطقه‌ای و بر لزوم تأمین امنیت در مرزهای مشترک دو کشور تأکید می‌کنیم.

مطالبه ۳۴ هزار خانواده آمر به معروف از مجلس برای ابلاغ قانون حمایت از خانواده و عفاف و حجاب

ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران نامه‌ای از طرف بیش از ۳۴ هزار نفر از آمران به معروف برای ابلاغ فوری «قانون حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» به مجلس ارسال کرد.

به گزارش کیهان، ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان تهران، در راستای اجرای اصل هشتم قانون اساسی و قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر، نامه‌ای از طرف بیش از ۳۴ هزار نفر از آمران به معروف به شکل تأکیدی و مطالبه‌گرانه خطاب به تمامی نمایندگان استان تهران در مجلس شورای اسلامی از جمله آقایان قالیباف و آقاتهرانی ارسال کرد.

در این نامه که در پاسخ به درخواست ۳۴ هزار و ۶۲۳ نفر از آمران به معروف تنظیم شده است که خواستار ابلاغ فوری «قانون حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» هستند.

در بخشی از این نامه آمده است: «تعداد ۳۴ هزار و ۶۲۳ خانواده آمر به معروف که از وضعیت عدم رعایت حجاب و حیا در جامعه اسلامی به ستوه آمده و آینده فرزندان خود را در خطر می‌بینند، با تأکید بر این‌که اجرای حل مسئله حرام شرعی و حرام سیاسی کشف حجاب و بی‌حجابی، مطالبه امام شهید بود، درخواست جدی دارند تا «قانون حمایت از خانواده از طریق ترویج فرهنگ عفاف و حجاب» که پیش‌تر در مجلس شورای اسلامی تصویب و توسط شورای نگهبان تأیید شده است، بدون فوت وقت ابلاغ و اجرا گردد.

هرگونه تعلل در ابلاغ این قانون به بهانه‌هایی مثل تضاد میان اجرای قانون و وحدت و وفاق، در واقع پذیرش استحاله در جامعه و ترویج فساد است که بنیان‌گذاران آن در دادگاه عدل الهی پاسخگو خواهند بود.

لذا از آن نمایندگان محترم تقاضا می‌شود با قاطعیتی متناسب با مسئولیت شرعی و قانونی خود، نسبت به ابلاغ سریع قانون مذکور اقدام نموده و راه را بر ترویج بی‌پروایی در جامعه ببندند.»

رونوشت این نامه به ریاست شورای تأمین استان تهران نیز ارسال شده است.

ستادکل نیروهای مسلح:

در برابر هرگونه تهدیدی از میهن اسلامی با تمام قوا و روحیه جهادی دفاع می کنیم

ستادکل نیروهای مسلح با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد: ما بر این عهد استواریم که با روحیه جهادی، از شکوه و امنیت میهن اسلامی در برابر هرگونه تهدیدی، با تمام قوا دفاع نماییم.

در بیانیه ستادکل نیروهای مسلح و قرارگاه مرکزی حضرت خاتم‌الانبیاء(ص) آمده است: در هفته دولت، یاد و خاطره اسطوره‌های اخلاص و خدمت، شهیدان گرانقدر محمدعلی رجایی و محمدجواد باهنر را گرامی می‌داریم که با خون خویش، مسیر خدمتگزاری بی‌منت و انقلابی را برای آیندگان ترسیم کردند. همچنین یاد و نام دولتمردان شهید سید ابراهیم رئیسی، حسین امیرعبداللهیان، سید اسماعیل خطیب و امیر سرلشکر عزیز نصیرزاده را که در راه تعالی کشور، صیانت از امنیت داخلی و گره‌گشایی از کار ملت، تا پای جان ایستادند و الگوی مدیریت میدانی، جهادی و امنیتی را احیا کردند، گرامی می‌داریم.

به گزارش مهر، در این بیانیه همچنین تأکید شده است: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، ضمن تجدید میثاق با آرمان‌های شهیدان، اعلام می‌دارد که با تکیه بر توانمندی‌های بومی و دانش نظامی روزآمد، همواره در کنار دولت خدمتگزار برای صیانت از تمامیت ارضی و اقتدار سیاسی کشور ایستاده است. ما بر این عهد استواریم که با روحیه جهادی، از شکوه و امنیت میهن اسلامی در برابر هرگونه تهدیدی، با تمام قوا دفاع نماییم.

بیانیه مشترک ایران و عمان درباره تنگه هرمز

ایران و عمان در بیانیه‌ای مشترک بر ازسرگیری دریانوردی ایمن در تنگه هرمز تأکید و ایجاد یک کریدور دریایی موقت مشترک و اجرای پروژه پاکسازی تنگه از مین‌ها را بررسی کردند.

جمهوری اسلامی ایران و سلطنت عمان روز سه‌شنبه (۳ شهریورماه) در بیانیه‌ای مشترک بر اهمیت ازسرگیری دریانوردی ایمن از طریق تنگه هرمز با حفظ حاکمیت و حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی تأکید کردند.

در این بیانیه آمده است: سید بدر بن حمد بن حمود البوسعیدی، وزیر امور خارجه عمان، در سفر کاری به جمهوری اسلامی ایران با سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، رایزنی‌های سازنده‌ای انجام داد.

این رایزنی‌ها بر اهمیت ازسرگیری دریانوردی ایمن از طریق تنگه هرمز با حفظ حاکمیت و حقوق حاکمیتی دو کشور متمرکز بود. دو وزیر با توجه به وضعیت کنونی تنگه هرمز که ناشی از جنگ اخیر و پیامدهای فاجعه‌بار آن است، چارچوبی مرحله‌بندی‌شده را مورد بحث قرار دادند که می‌تواند مبنایی عملی و قابل اجرا برای پیشبرد امور فراهم کند.

بر اساس این چارچوب پیشنهادی، ایجاد یک کریدور دریانوردی موقت مشترک از طریق تنگه هرمز و توافق برای اجرای یک پروژه مشترک به‌منظور پاکسازی تنگه از مین‌ها پیش‌بینی شده است.

مذاکرات فنی میان دو طرف با هدف توافق بر سر یک کریدور دریانوردی دائمی و نحوه اداره آینده تنگه، همچنین ایجاد سازوکاری برای تبادل اطلاعات، مدیریت ترافیک و ارائه خدمات دریانوردی و امنیتی مربوطه ادامه خواهد یافت. در این راستا، دو طرف بر اهمیت برگزاری گفت‌وگوهای مشترک با کشورهای منطقه هم‌مرز با آب‌های خلیج‌فارس تأکید کردند.

ایران و عمان همچنین بر لزوم رعایت حقوق بین‌الملل قابل اعمال و احترام به حقوق حاکمیتی کشورهای ساحلی تأکید ورزیدند.

یادداشت روز

دولت، آخرین توصیه‌های امام شهید را فراموش نکند!

ادامه از صفحه ۲

در این مقطع، اگر چه می توان گفت دولت توانست با هماهنگی سایر ارکان نظام، از «عقب‌نشینی» پرهیز کند، اما در بخش «مدیریت پیامدهای اقتصادی و اجتماعی ناشی از جنگ»، می‌توان گفت که دولت در «دور زدن مانع» به جای «عبور کوبنده از آن»، بیشتر به دنبال فرصت‌های جدیدی است که تصور می‌کند با تفاهم‌نامه‌ای که اعتبار خود را کاملا از دست داده، می‌تواند ظرفیت‌سازی کرده و مسیر اداره کشور را طی کند. این در حالی است که امام شهید، همواره به این نکته اساسی تاکید داشتند که «نباید به دشمن امید بست.» دولت چهاردهم در روابط خارجی خود، مدام در این مرز باریک قدم می‌زند و با نگاهی امیدوارانه به رفع تحریم‌ها در این مسیر گام برمی‌دارد. تجربه نشان داده است که هرگونه «امید به حسن نیت دشمن»، مستقیماً با توصیه امام شهید و رهبری حاضر انقلاب امام سید مجتبی خامنه‌ای حفظ‌الله در تضاد است. دولت باید یاد بگیرد که هر گونه مذاکره فقط برای برون‌رفت از بحران و دفع شر دشمن و ابزاری برای «تقویت خودکفایی» می‌تواند باشد، نه مسیری برای «وابستگی و امید به دشمن».

در مجموع می‌توان گفت، دولت چهاردهم با وجود تلاش بی‌وقفه‌ای که در این دو سال انجام داده و جای تقدیر جدی دارد، برای ادامه راه، در مرحله «تطبیق با واقعیت‌های سخت میدانی» دچار مشکلات و نارسایی است و توصیه‌های امام شهید را نباید با «رفتارهای کلیشه‌ای» و «نسخه‌های منسوخ شده» آن هم با وجود کارشناسان و مشاورانی که ذهن بسته و یا نگاه غرب‌گرایانه آنها مانع پیمودن این مسیر سخت ولی امیدوارکننده است، داشته باشد.